

اصناف

پاپوش مصنوعی که چین برای ایران ساخت

● شرق: یکی از مشاغلی که به خاطر سختی‌ها و بوی نامطبوع آن جزو حرفه‌های سخت البته از نظر صاحبان آن تلقی می‌شود؛ دیباغی است. شغلی که اگر چه به گذراندن هفت‌خان‌رستم مشهور است ولی دستمزد کارگراتش برابر با حداقل حقوقی است که از سوی وزارت کار تعیین شده است. اما پوستی که با همه سختی و مشقت تولید می‌شود وقتی به بازار راه پیدا می‌کند باید با چرم مصنوعی رقابت کند که از مواد شیمیایی در چین ساخته شده و هر روز بر شباهتش به چرم طبیعی افزوده می‌شود که البته به دلیل قیمت پایین‌تر سهم قابل توجهی نیز در بازار دارد.
بـا این حال به گفته حسن‌زاده یکی از تولیدکنندگان چرم، پوشیدن این پاپوش‌های مصنوعی می‌تواند سلامت افراد را به خطر اندازد.

حسن‌زاده علاوه بر اشاره به سختی‌های کار از رکودی که در شهرک‌های چرم شکل گرفته صحبت می‌کند و معتقد است آن تعداد از کارخانجاتی که هنوز تعطیل نشده‌اند حداکثر با ۵۰درصد ظرفیت خود کار می‌کنند. از سوی دیگر با توجه به کاهش کشتار گاو در کشور اگر تمام کارخانجاتی که مجوز بهره‌برداری دارند هم بخواهند در این حرفه فعالیت کنند؛ پوستی برای دیباغی نخواهند داشت.

● با توجه به اینکه مواد اولیه موردنیاز در حرفه شما پوستی است که از حیوانات کشتارشده در داخل کشور به دست می‌آید به نظر می‌رسد کمتر از سایر مشاغل تحت‌تأثیر افزایش نرخ ارز بوده‌اید.

پوست فقط یکی از مواد اولیه مورد استفاده ماست و برای دیباغی کردن نیاز به موادی است که حدود ۸۰درصد از آن یعنی به غیر از نمک و آهک، وارداتی است. اگر بخواهیم نسبتی برای هزینه‌ها برقرار کنیم؛ می‌توان گفت حدود ۵۰درصد از هزینه تمام‌شده محصولات مربوط به پوست، ۳۰درصد مواد شیمیایی و ۲۰درصد سایر هزینه‌ها مانند دستمزد و هزینه‌های انرژی و غیره است.بنابر این حدود یکسوم از هزینه‌ها مستقیماً تحت‌تأثیر افزایش نرخ ارز بوده است.

● پوست چه حیواناتی معمولاً در کشور دیباغی می‌شود؟

گاو، گوسفند و بز. البته چرم شترمرغ و کروکدیل نیز تهیه می‌شود اما سهم قابل توجهی از تولیدات عرضه‌شده به بازار را در اختیار نداشته و بیشتر جنبه فانتزی دارد.

● در بازار محصولاتی با نام چرم طبیعی عرضه می‌شود که پس از مدتی استفاده مشاهده می‌شود استحکام و سایر ویژگی‌های چرم را ندارد. اینها نیز چرم طبیعی با درجه کیفیت پایین‌تر بوده یا مصنوعی است؟

چین در سال‌های اخیر توانسته چرم مصنوعی‌ای را تولید کند که شباهت بسیار زیادی به چرم طبیعی دارد و یک مصرف‌کننده عادی قدرت تشخیص تفاوت آن با چرم طبیعی را نخواهد داشت. این مصنوعات از مواد شیمیایی تهیه می‌شود و برای سلامت استفاده‌کنندگان مضر است.

● چرا شغل دیباغی را به هفت‌خان رستم تشبیه می‌کنند؟

شاید یکی از دلایل آن مراحل طولانی و سخت تبدیل پوست به چرم است. به هر حال این شغل یکی از مشاغل سختی است که آلودگی‌های زیادی به همراه دارد.

● با توجه به این سختی‌ها آیا دستمزد کارگران شما یا سایر کارگران تفاوت دارد؟

حداقل دستمزد‌ها بر پایه کف تعریف‌شده از سوی وزارت کار است ولی بر حسب میزان تخصص و مهارت کارگر ممکن است این دستمزد‌ها تغییر کند. ● حداقل زمانی که پوست از مرحله ورود به کارخانه تا تبدیل‌شدن به چرم طی می‌کند چقدر است؟

حدود دو الی سه هفته.

● می‌توانید مراحل دیباغی را به‌طور خلاصه تشریح کنید؟

تولید چرم در چهار مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله اول پوست خام به سالامبور تبدیل می‌شود سپس سالامبور به وت بلو مبدل شده و بعد به کراست و در آخر نیز از کراست چرم طبیعی به دست می‌آید. ابتدا پوست در مرحله خیساندن و شستشو قرار گرفته و نمک‌سود می‌شود. پس از آن برای سست‌شدن پایه مو به مرحله آهک‌دهی وارد می‌شود. لش گیری نیز برای حذف تمامی بافت‌های غیرضروری پوست که در سطح درونی و بدون موی پوست وجود دارد پس از مرحله آهک‌دهی انجام می‌گیرد. مرحله موگیری پوست‌های بز و گوسفند نیز با مالیدن محلولی از آهک و سولفید سدیم به قسمت لش پوست انجام می‌گیرد.

سپس پوست آهک‌گیری می‌شود یعنی به منظور حذف آهک اضافی و تنظیم PH برای مرحله آنزیم‌دهی باید هیدروکسید کلسیم ۲ OH(Ca) جذب‌شده در پوست را از آن خارج کرد و PH پوست را پایین آورد. پس از مرحله آب‌گیری از چرم دیباغی شده، آن را به وسیله ماشین برش می‌دهند تا به هر ضخامتی که لازم باشد درآید. بعد از مرحله‌برش وارد مرحله رنگ‌آمیزی شده و دست آخر با چرب‌کردن چرم، نرم کردن، خشک کردن و پرداخت‌کردن آن، به‌منظور خوش‌نما کردن و افزایش دوام چرم، آن را به روش‌های مختلف برق می‌کنند.

شرق، مرزیه محمودی: سر آخر هم نمی‌فهمم کلکسیونری است که هر روز در بازار منوچهری در انتظار اسکناس و سکه‌ای قدیمی و قیمتی روز را شب می‌کند یا فروشنده‌ای است که کارش گشتن میان اعداد و امضاها و فیلیگران‌های چاپ‌شده روی کاغذ است. هرچه هست اطلاعاتی که می‌دهد آنقدر خواندنی و جالب هست که همت کنم و برای بار دوم به نیت یک گفت‌وگوی طولانی بروم چهارراه استانبول و حدود دوساعت پای بساطش بمانم. تا او از راز اعداد بگوید و صورت و مخرج کسرها را شرح دهد و امضاها را توصیف کند و ارقام میلیونی را ردیف کند از خریدوفروش اسکناس‌هایی که ما همیشه فکر می‌کنیم ارزش مادی ندارند و فقط اسکناس‌های تاختورده‌ای هستند که همین‌طور ماهداند لای تقویم و کتاب‌های قدیمی و ما هم هرگز کاری به کارشان نداریم و می‌گذاریم تا ردیف کند از شاید شما هم بعد از خواندن این گزارش طولانی وسوسه شوید که این بار با دقت بیشتری اسکناس‌های قدیمی را نگاه کنید. شاید همین اسکناس ۱۰ تومانی شما میلیون‌ها تومان قیمت داشته باشد.

پای ثابت چهارراه استانبول

محمد مالمیر یکی از فروشنندگان اسکناس چهارراه استانبول است. تمام دفعاتی که برای گزارش ارز به بازار منوچهری رفتم، همان‌جا بوده است. گاهی مقابل در پاساژ افشار بساط می‌کند و گاهی کنار در پاساژ. ایستاده کنار ساک‌دستی‌ای که درش باز است و آلبوم ماندنی روی آن قرار داده شده است. از چهارراه استانبول به سمت بالا که می‌آیی دو طرف خیابان پر از مردانی است که با ساک‌هایی مشابه کنار خیابان نشسته‌اند و در کفشان بسته‌های ۱۰ و ۲۰ تومانی پیدا می‌شود. اینجا درشت‌ترین پول‌ها ۵۰۰ تومانی‌های نو و تاختورده‌ای است که هنوز برق چاپ را حفظ کرده‌اند. عدد نوشته روی پول‌ها زیاد نیست اما هر بسته از آنها با قیمتی چندبرابر فروخته می‌شود. یک بسته صدتایی اسکناس ۱۰ تومانی که تنها هزار تومان می‌ارزد به ۵۰۰ تا ۵۲۰ هزار تومان مشتری دارد. اما در بساط محمد مالمیر، همان بسته‌های اسکناس هم نیست. آلبومی دارد که در هر صفحه آن نهایتاً دو قطعه اسکناس قرار داده است. دو ۱۰۰ تومانی، یک ۲۰۰ تومانی تک چند اسکناس با عکس محمدرضا شاه پهلوی، دو اسکناس قدیمی‌تر، چند عدد ۲۰۰ تومانی و تعدادی هم ۲۰ تومانی و ۱۰ تومانی. خودش می‌گوید تمام اسکناس‌هایی که دارد، ویژگی‌های خاص دارد. برای همین است که دو عدد ۱۰۰ تومانی را به قیمت ۵۰۰ هزار تومان می‌فروشد یا دو عدد ۱۰ تومانی‌اش مشتری ۵۰ هزار تومانی دارد. اما اینها کوچک‌ترین نر‌هایی است که می‌گوید چون کمی که بیشتر حرف می‌زند نرخ اسکناس‌ها به پنج‌میلیون تومان می‌رسد و آدرس اسکناس‌هایی را می‌دهد که ۲۰۰ میلیون تومان می‌ارزد.

روسی بانک مرکزی و امضاهایشان

قرار می‌شود اطلاعاتی کلی دهد و بعد به سراغ جزئیات برود. سررِگم است که از کجا شروع کند چون به قول خودش اطلاعات بسیار ریز و تخصصی است و نمی‌تواند همه را بیان کند و شک هم دارد همه اطلاعاتی که می‌دهد برای من قابل درک باشد. مکث می‌کند و می‌پرسد از کجا بگوید. از امضاها شروع می‌کند. «از اول انقلاب تا حالا ۱۷ امضای اسکناس‌ها آمده است. البته قبل آن بی‌شمار امضا و اسکناس وجود دارد اما اگر بخواهم از زمان انقلاب بگویم، اولین امضا متعلق به بنی‌صدر است به‌عنوان وزیر اقتصاد و دارایی و نوری به‌عنوان رئیس کل بانک مرکزی. اسکناس‌هایی با این امضا ارزش دارند. البته به شرط اینکه با ویژگی‌های دیگر همراه شوند.» می‌پرسم چه ویژگی‌هایی اما ابتدا اسامی و به‌قول خودش دوره‌ها را می‌گوید. اسامی را به ترتیب و بدون هیچ اشتباهی عنوان می‌کند. «نمازی، نوربخش؛ ایروانی، نوربخش؛ ایروانی، قاسمی؛ نوربخش، قاسمی؛ نوربخش، عادل؛ محمدخان، عادل؛ محمدخان، نوربخش؛ نمازی؛ نوربخش؛ مظهری، نوربخش؛ مظهری، شیبانی؛ حسینی؛ شیبانی؛ دانش جعفری؛ شیبانی؛ دانش جعفری، مظهری؛

حسینی، مظهری؛ حسینی، بهمنی، سیف و طبیب‌نیا؛ تمام اسکناس‌هایی که داریم با امضای این افراد است. یک فاکتور تعیین قیمت این است که چه کسی این اسکناس را امضا کرده باشد. در زمان برخی‌ها تا دلتان بخواهد اسکناس چاپ شده اما در زمان بعضی دیگر اسکناس کم است. خب طبیعتاً روی امضاها خیلی قیمتی‌تر هستند.» روی نوشته‌ام سرک می‌کنش و حرفم را قطع

می‌کند. می‌خواهد اسامی را یکبار دیگر چک کنم که مبدا اشتباه نوشته باشم. می‌گوید اشتباه بنویسی اعتبار من زیر سوال می‌رود. اسامی را یکبار دیگر چک می‌کنیم. به آخرین ردیف که می‌رسم، می‌پرسم سیف و طبیب‌نیا که به‌تازگی روی کار آمده‌اند. مگر اسکناسی هم چاپ کرده‌اند؟ جواب می‌دهد اسکناس‌های پنج و ۱۰ هزار تومانی با امضای این وزیر و رئیس کل بانک مرکزی مدتی است که وارد بازار شده اما هنوز به تعداد دوره‌های گذشته نرسیده است.

می‌پرسم می‌دانی در زمان هر کدام از وزرا و روسا چه تعداد اسکناس چاپ شده است؟

«حدودی می‌دانم. مثلاً جدای از سال‌های اخیر که تعداد اسکناس‌های چاپ‌شده بی‌شمار است، بیشترین اسکناس‌ها در دوره نمازی و نوربخش چاپ شده است. اما هرچه این دوره چاپ اسکناس زیاد بوده، در زمان محمدخان و عادل‌ی کمترین میزان چاپ اسکناس را داشته‌ایم. در زمان دانش جعفری و مظهری هم حدود ۱۳ میلیون اسکناس چاپ شده است. آمار بقیه را الان دقیقاً در ذهن ندارم. اما کمی زمان می‌برد که حساب کنم و بفهمم در هر دوره‌ای چه تعداد اسکناس چاپ شده است.» می‌خواهم تعداد اسکناس‌ها را اگر می‌داند بگویم. جواب می‌دهد: «شمارش تعداد اسکناس‌ها نیاز به محاسبات دقیق دارد اما از صورت و مخرج کسر عددی که روی اسکناس منتشر شده است، می‌تواند بگوید که در هر دوره‌ای چه تعداد اسکناس چاپ شده است.» می‌گویم چک کند تا بعداً مجدداً به سراغش بروم و اطلاعات دقیق بدهد. انگار که حوصله نداشته‌باشد جواب می‌دهد شدنی است اما سخت است و

اقتصاد



بهار

بهار

گشت‌وگذار «شرق» در بازار اسکناس‌های قدیمی

۱۰۰ تومانی ۲میلیارد تومانی

همین چهار سال پیش بود که هر یک از تومانی دوره قاجاریه حدود ۲۵۰میلیون تومان معامله‌شد.»

در بازار منوچهری ایران؟ خریدار که بود؟

«نه ایران نبود. فردی بود در خارج از کشور که این اسکناس را خرید.»

کلکسیونر بود؟

می‌خندد. «هم نیست چه کسی بوده است. اسمش را نمی‌گویم.» این را طوری می‌گوید که من را کنجکاو می‌کند برای شناسایی خریدار ۲۵۰میلیون تومانی. یعنی اینکه آدم سرشناسی است که نباید اسمش را بگوید؟ مکث می‌کند. فکر می‌کند و باز من کنجکاورتر می‌شوم. می‌خندد: «مهم نیست خریدار چه کسی بوده است.» می‌خواهم تا نام خریدار را بگویم و قول می‌دهم که آن را منتشر نکنم. اما باز هم نمی‌گوید. باز هم فکر می‌کنم خریدار باید کلکسیونر معروفی باشد که چنین بهایی را برای اسکناس کمیاب قاجاری داده است که می‌گوید: اینها ارقام زیادی نیست. مثلاً یک اسکناس صدتومانی وجود دارد که حدود دو میلیارد تومان می‌ارزد. دو میلیارد تومان! می‌پرسم این اسکناس مگر چه ویژگی‌ای دارد؟ پاسخش این است: «اولین اسکناس صدتومانی است که در دوره پهلوی چاپ شده است. قیمت ندارد. اما می‌گویند دو میلیارد تومان می‌ارزد.» خب این اسکناس دومیلاردی کیاست؟ اینجا نیست.

کجا نیست؟ در بازار منوچهری و در دست شما یا در ایران نیست؟

«نه در ایران نیست. دست بزرگ‌ترین کلکسیونر پول ایران است. (ـ) فردی از خاندان پهلوی. این شخص بزرگ‌ترین

فونت پول ریز باشد قیمت آن بیشتر است اما اگر فونت بزرگ

باشد یک مرتبه قیمت اسکناس صدردصد کاهش می‌یابد.»

آلبوم اسکناس‌ها را ورق می‌زند و اسکناس مورد نظر را پیدا می‌کند. عدد بالای سمت راست اسکناس را نشان می‌دهد می‌بینید اعداد با فونت درشت‌تری نوشته شده و در این یکی اسکناس با فونت ریزتری. امضا همان است و سایر مشخصات هم یکی است اما این صدتومانی از این یکی قیمتی‌تر است چون امضای ریزی دارد. اما اگر این عددها رند باشد دیگر ریز و درشت‌بودن اعداد چندان به چشم نمی‌آید. چون در هرچند میلیون قطعه اسکناس چاپ شده فقط یک قطعه اسکناس هست که همه اعدادش یکی است. مثلاً همه یک است یا همه دو است. چهار رقم رند یا سه رقم رند اعداد هم خوب است و هر کدام هم قیمتی دارد.»

گران ترین اسکناسی که داریم، کدام است؟

سوال را باید در نهایت دقت پرسید چون در این کار همه‌چیز دقیق است. می‌پرسد کلاً با بین اسکناس‌های چاپ انقلاب؟ می‌گویم سسوالم در مورد اسکناس‌هایی است که از سال ۵۷ تا ۵۹ می‌طرف چاپ شده است.

حالا انگار صورت مساله درست شده باشد، با دقت می‌گوید: یک اسکناس ۲۰۰ تومانی داریم با امضای کشیده نوربخش عادل‌ی، شماره ریز، فیلیگران شهید فهمیده و مخرج ۹۹/۷۷، دو عدد آن پنج‌میلیون تومان قیمت دارد. به ۲۰۰ تومانی‌های تظاهراتی معروفند. یعنی تصویر روی آن عکس افرادی است که دارند تظاهرات می‌کنند و مشتشان بالااست. حاضر برای یک بسته صدتایی‌اش با این صورت

و مخرج کسر ۲۵۰میلیون تومسان پول بدهم، چون جزو نایب‌ترین انواع اسکناس است.

یک جفت صدتومانی هم با امضای ایروانی و قاسمی داریم با فیلیگران فهمیده شماره ریز که آن هم پنج‌میلیون تومان قیمت دارد اما فقط کافی است که شماره آن درشت شود ارزشش یکباره کم می‌شود؛ شماره درشتش فقط ۲۰ هزار تومان است. یک جفت ۲۰۰ تومانی دیگر داریم با امضای نوربخش عادل‌ی، امضای متوسط جفتش ۲/۵ میلیون تومان قیمت دارد

خریدار ناشناس ۲۵۰میلیون تومانی

می‌پرسم گران‌ترین اسکناسی که الان موجود است کدام است؟ می‌گوید اسکناسی است متعلق به دوره قاجار که حدود ۵۰۰میلیون تومان می‌ارزد. در زمان قاجار بر عکس زمان حکومت پهلوی، اسکناس‌ها به تومان چاپ می‌شد نه ریال. اسکناس‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۰، ۲۵، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ تومانی موجود بوده است. از بین این اسکناس‌ها چون پایه پولی ۵۰۰ تومانی و ۱۰۰۰ تومانی بسیار سنگین بود و این دو اسکناس ارزش بسیار بسیار بالایی نداشتند مانند سایر اسکناس‌ها به گردش در نیامدند و به همین دلیل هم بسیار نایاب هستند به همین دلیل اگر ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ تومانی آن دوره پیدا شود بازرغ ۵۰۰ میلیون تومان می‌ارزد.

می‌پرسم این اسکناس‌ها با این قیمت‌ها خرید و فروش هم می‌شوند یا اینها فقط قیمت‌هایی است که بین خریداران این صنف رد و بدل می‌شود؟

انه، اسکناس‌ها وجود دارد و خرید و فروش هم می‌شود.

کلکسیونر پول‌های ایرانی است. کلکسیون‌ی که دارد بی نظیر است و نمی‌توان روی هیچ کدام از اسکناس‌هایش قیمت گذاشت. آن مجموعه اصلاً مجموعه خارق‌العاده‌ای است.»

نگاه می‌کند و حرفش را نیمه‌تمام می‌گذارد «نه اینها را ننویسید. دردرس می‌شود.» چرا دردرس؟ مگر خرید و فروش اسکناس ایرادی دارد؟ راستی شما اینجا هستید و اسکناس‌های قدیمی و با ارزش را خرید و فروش می‌کنید ایراد یا منع قانونی ندارد؟

یکشنبه‌های آخر ماه در انجمن کلکسیونرها

می‌خواهد که یک لحظه صبر کنم و در کیفش دنبال چیزی می‌گردد. آلبوم اسکناس‌ها را با احتیاط بر می‌دارد. از جیب کیفش دو برگه بیرون می‌آورد. اسقفنامه از امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواهد که با دقت بخوانمش. سوال در هر دو اسقفنامه این است که حکم خرید و فروش اسکناس‌های قدیمی چیست و در هر دو مورد هم مراجع اعلام کرده‌اند که مشکلی نیست و بلامانع است.

می‌پرسم این اسقفنامه به درخواست چه کسی بوده است؟ می‌گوید «انجمن کلکسیونرها این درخواست را داده‌اند و از دفتر این دو مرجع استفتاء کرده‌اند که حکم خرید و فروش اسکناس چیست. دلیل هم این است که همه بداندن ما کاری خلاف قانون و خلاف شرع انجام نمی‌دهیم. کارمان هم قانونی است و هم شرعی.» با همان دقت و وسواسی که برگه را در آورده مجدداً تا می‌کند و می‌گذارد سر جایش. حتماً لازمش می‌شد که همیشه همراهش هست.

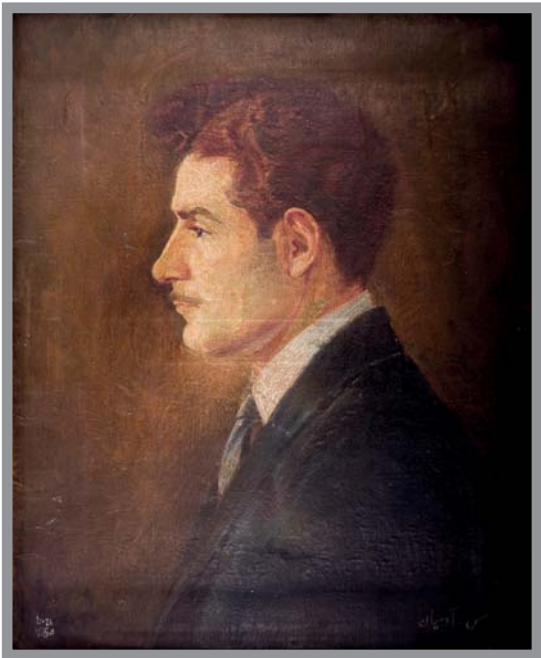
اسم انجمن کلکسیونرها برایم جالب است. درباره‌اش اطلاعات می‌خواهم. توضیحش این است: «سال‌هاست که این انجمن تشکیل شده است. همه انواع کلکسیون‌ها را دربرمی‌گیرد. اسکناس و تمبر هم بخشی از آن است. البته ما انجمن جداگانه‌ای داریم. قبلاً آخرین یکشنبه همراه در دفینه (سر خیابان میرداماد) جلسات ماهانه انجمن تشکیل می‌شد. اما الان مثل آن موقع نه جای جلسات مشخص است و نه زمانش. زمان و مکان را هر بار اطلاع‌رسانی می‌کنند. یکبار در قلم مقام بود جلسات یکبار هم در خیابان ولیعصر. هر بار مکانش فرق دارد. مرحوم فریدون نوین فرح بخش را می‌شناسید؟ پدر تمبر ایران بود. دو سال پیش فوت کرد. رئیس انجمن تمبر و اسکناس ایران بود. کتاب اسکناس و نام و تمبرهای بی‌ظیری داشت. چندین و چند مدال جهانی در همین زمینه دارد. می‌پرسم بعد از مرگ مرحوم فرح‌بخش چه کسی رئیس انجمن شده و کلکسیونش چگونه نگهداری می‌شود؟ می‌گوید هنوز فردی را به‌عنوان رئیس انجمن انتخاب نکرده‌اند. کارها هم در حال انجام است و کلکسیون ایشان هم نزد پسرش است، ما چند نفریم که در کار قیمت‌گذاری تمبر و اسکناسیم.

ادامه در صفحه ۵

LEON

Since 1960

روزت مبارک پدر



Painting of Mr. Leon, founder of Leon restaurants (1950)

رستوران لئون درسال ۱۹۶۰ میلادی در تهران، خیابان آبان جنوبی تاسیس گردید و هم اکنون با داشتن دو شعبه دیگر (فرشته سام سنتر و نیاوران) با مدیریت همان خانواده به فعالیت خود ادامه می دهد.

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)

قبل از دوراهی دزاشیب

تلفن : ۰۰۲۲۷۲۴۴۰—۰۰۲۲۷۲۴۴۰

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند

خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو

تلفن : ۰۰۸۸۹۳۰۳۶۴—۰۰۸۸۹۳۰۳۶۴

Design: HIG+Raikthami

www.leon1960.com

تعیین جانشین چینی‌ها در آزادگان جنوبی

● **مهر:** پس از اخراج شرکت CNPCI چین از طرح توسعه آزادگان جنوبی به دلیل شش‌سال تاخیر و وقت‌کشی، بیژن زنگنه وزیرنفت ایران خواستار مشارکت شرکت‌های سازنده و پیمانکار ایرانی در توسعه این میدان مشترک نفتی با عراق شد.

مصلحی: برخی از شرکت‌های خصوصی ارز دپو می‌کنند

● **ایرنا:** مصلحی، وزیر سابق اطلاعات گت: برخی شرکت‌های بخش خصوصی که با گرفتن وام‌های میلیاردی از بیت‌المال تولیدات خود را افزایش داده‌اند، اقدام به دپوی ارز ناشی از صادرات می‌کنند که نیاز به مراقبت جدی دارند.

فهرست ۱۴۳۲ بدهکار بالای ۵۰میلیاردتومان

● **فارس:** به‌گفته این مقام آگاه بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته کل مطالبات غیرجاری بانک‌ها بیش از صدهزارمیلیاردتومان است. وی ادامه داد: مانده مطالبات غیرجاری بالای ۱۰۰میلیاردتومان جمعا رقمی معادل ۹۲هزارمیلیاردتومان است که دراختیار ۹۰۰ ذی‌نفع‌اعم از حقوقی و حقیقی است. همچنین مطالبات غیرجاری بالای هزارمیلیاردتومان در اختیار سه ذی‌نفع قرار دارد که دو نفر آنها در مسیر رسیدگی به دو پرونده بزرگ اقتصادی در زندان به‌سر می‌برند. این مقام‌مسوول افزود: اما دارندگان بدهی غیرجاری بالای ۵۰۰میلیاردتومان هم ۱۸نفر هستند که چیزی حدود۱۵هزارمیلیاردتومان از حجم مطالبات را به خود اختصاص داده‌اند. وی تصریح کرد: به این اعداد و ارقام بدهی غیرجاری بالای صدمیلیاردتومان را هم باید اضافه کرد که مجموع این نوع بدهی ۴۲هزارمیلیاردتومان است که در اختیار ۱۴ نفر است. همچنین میزان بدهی غیرجاری بالای ۵۰۰میلیاردتومان جمعا۴۷هزارمیلیاردتومان است که در اختیار ۲۸۳ نفر اعم از حقیقی و حقوقی قرار دارد.

واردات بنزین روزانه ۵/۵میلیون لیتر

● **تسنیم:** عباس کاظمی، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش گفت: در سال گذشته متوسط میزان واردات بنزین ایران ۳/۵میلیون لیتر در روز بود که این رقم از ابتدای امسال تاکنون به طور متوسط به ۵/۵میلیون لیتر در روز رسیده است.